

# جنگ اوکراین، گرسنگی جهانی را شعله ور می کند

## و ناآرامی های گسترده را آماده می کند

ترجمه: شهناز نیکوروان

### مقدمه

ترجمه مطلب “جنگ اوکراین، گرسنگی جهانی را شعله ور می کند و ناآرامی های گسترده را آماده می کند” از این جهت می تواند برای مبارزین مستقل کارگری مفید باشد که اگر به دو بخش سودمحور و جنگ طلب جهانی که شامل صنعت نفت و صنعت تسلیحات است بنگریم، با کمی دقت و موشکافی متوجه می شویم که این دو صنعت حاضر هستند دنیا را تنها به خاطر حفظ منافع و سود خود به نابودی بکشانند، حتی اگر به قیمت گرسنگی صدها میلیون از مردم جهان منجر شود آنها اهمیتی نمی دهند. بخش اصلی اقتصاد اوکراین صنعت کشاورزی است که اروپا بخش کوچکی از آن است، کشورهای خاورمیانه و آفریقا مشتری اصلی مواد خوراکی اوکراین هستند. این مقاله نشان می دهد که بزودی بخش اعظم کشورهای وابسته با بحران های اجتماعی روبرو می شوند. اینکه این بحران ها کمک کند که جریانات مستقل و مردمی رشد کند در چشم انداز نیست ولی نیروهای مترقی کارگری خود را در کنار زحمتکشان و جنبش گرسنگان قرار می دهند و از قبل باید خود را آماده کرد برای مقابله با رسانه های مجازی که برای به انحراف کشاندن جنبش ها و نا امید کردن زحمتکشان از رسیدن به تغییرات بنیادی در خدمت سرمایه هستند.

تأثیر جنگ در اوکراین بسیار فراتر از سواحل اروپا احساس خواهد شد. با توجه به اینکه روسیه و اوکراین با هم مسئول ۱۲ درصد از کل کالری (یک واحد انرژی از مواد غذایی گرفته تا منابع طبیعی مانند گاز) مبادله شده هستند و گاز طبیعی جزء مهمی در کودها است، جنگ تورم مواد غذایی را تشدید می کند. در زمانی که بسیاری از کشورهای تحت سلطه سرمایه داری در پی همه گیری ویروس کرونا بدهی های هنگفتی ایجاد کرده اند، این جنگ به طوفانی کامل می افزاید که مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهانی برخواهد انگیخت.

### چه چیزی باعث تورم مواد غذایی می شود؟

جنگ در اوکراین بسیاری از مشکلاتی را که اقتصاد جهانی پیش از آغاز درگیری با آن مواجه بود، تشدید خواهد کرد. تورم مواد غذایی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زنجیره های تامین قبلاً به دلیل همه گیری مختل شده بود و باعث تنگناهایی در توزیع و افزایش هزینه حمل و نقل شده بود.

علاوه بر این فشارهای قیمتی، هزینه فزاینده انرژی هزینه حمل و نقل را بیش از پیش افزایش داده است. شرایط آب و هوایی دشوار، مانند خشکسالی شدید در خاورمیانه، تولید غذا را در بسیاری از کشورها مختل کرده است. این امر تقاضا برای واردات مواد غذایی را افزایش داده است تا تولید از دست رفته را جبران کند. برآورد می شود که برای مثال ایران در سال جاری به ۷ میلیون تن گندم نیاز داشته باشد که این رقم در سال گذشته ۴/۸ میلیون تن بود.

حمله به اوکراین این مشکلات را تشدید کرده است. روسیه و اوکراین به ترتیب بزرگترین و پنجمین صادرکنندگان بزرگ گندم در جهان هستند. اختلالی که جنگ ایجاد کرد به این معنی است که قیمت گندم در سه هفته پس از شروع جنگ حدود ۳۵ درصد افزایش یافته است. قیمت از آن زمان تا حدودی کاهش یافته است، اما همچنان در بالاترین سطح خود از سال ۲۰۰۸ باقی مانده است.

مطمئناً غذای کافی برای تغذیه جمعیت جهان وجود دارد، اما هرج و مرج جنگ و هرج و مرج بازار به این معنی است که راه حل سریعی برای این مشکلات وجود ندارد. صادرات مواد غذایی که قبلاً تولید شده بود به شدت مختل شده است. صادرات آن از

طریق دریای سیاه در میانه جنگ آسان نیست. در واقع، اکنون ۱۴۰ کشتی تجاری برای امنیت خود در بندر محبوس شده اند و نمی توانند برای صادرات مواد غذایی بیشتر مورد استفاده قرار گیرند.

جنگ همچنین محصولات آینده را به خطر می اندازد. سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد گفته است که تا ۳۰ درصد از زمین‌های قابل کشت اوکراین در سال ۲۰۲۲ به دلیل درگیری‌ها احتمالاً کاشته نشده یا برداشتی نخواهند داشت.

با توجه به این مشکلات عرضه، می توان انتظار داشت که تولید در جاهای دیگر افزایش یابد تا تقاضا را برآورده کند. در حالی که برای انجام این کار، کشاورزان به کود نیاز دارند. اما یکی از اجزای مهم کود گاز طبیعی است که قیمت آن نیز افزایش یافته است. گاردین در ۸ مارس گزارش داد که قیمت کود در بریتانیا نزدیک به ۱۰۰۰ پوند در هر تن است که از حدود ۶۵۰ پوند فقط یک هفته قبل از آن به ۱۰۰۰ پوند افزایش یافته است.

بازار نه تنها قادر به حل این مشکل نیست، بلکه آن را بدتر خواهد کرد. تنها دلیل سرمایه دار برای سرمایه گذاری در چیزی کسب سود است. بنابراین، افزایش قیمت مواد غذایی احتمالاً توسط سرمایه دارانی که در بازار سفته بازی می کنند تشدید می شود. از دیدگاه سرمایه داران، گرسنه ماندن صدها میلیون نفر مهم نیست، تا زمانی که بتوانند سود خالصی به دست آورند.

در واکنش به این بحران، کشورهای جهان با اقدامات حمایتی و اکنش نشان داده اند. در حال حاضر، روسیه و اوکراین صادرات غلات را ممنوع کرده اند، و از طرفی آرژانتین، مجارستان، اندونزی و ترکیه همگی محدودیت هایی را بر صادرات مواد غذایی اعمال کرده اند. چندی پیش بود که ایدئولوگ های سرمایه داری مرتباً نیروی غیر قابل توقف جهانی شدن را ستایش می کردند. اما آنچه اکنون می بینیم این است که در دنیای رقابت فزاینده بین دولت های ملت متخاصم، زمانی که بحرانی وجود دارد، هر طبقه حاکم تلاش می کند مشکلات خود را به خارج از کشور صادر کند. بحران غذایی نیز از این قاعده مستثنی نیست. عواقب آن برای بشریت بالقوه فاجعه بار است.

ما شاهد ترکیبی قوی از فشارها بر عرضه مواد غذایی و افزایش هزینه های حمل و نقل دقیقاً در زمانی هستیم که تقاضا زیاد است. موانع مالکیت خصوصی و دولت ملی به این معناست که این مشکل در یک نظام سرمایه داری بدون گرسنه ماندن تعداد زیادی از مردم قابل حل نیست.

### ناآرامی های اجتماعی در مقیاس گسترده

اغلب می گویند جنگ مامای انقلاب است. این جنگ ممکن است تفاوتی نداشته باشد. در آغاز فوریه سال جاری، نیویورک تایمز به نقل از موریس آبستفلد، اقتصاددان ارشد سابق صندوق بین المللی پول، هشدار داد که افزایش قیمت مواد غذایی باعث نگرانی او در مورد "ناآرامی های اجتماعی در مقیاس گسترده" شده است. او این را حتی قبل از شروع جنگ در اوکراین گفت. حق داشت نگران بود. به هر حال، یکی از دلایل انقلاب فرانسه دقیقاً افزایش قیمت مواد غذایی بود. علاوه بر این، اگر نگاهی به نموداری از قیمت گندم در ۲۵ سال گذشته بیندازیم، دو اوج را مشاهده می کنیم. یک نقطه اوج قیمت فعلی و دیگری در سال ۲۰۰۸ است. همانطور که فارین پالیسی گزارش می دهد، این افزایش قیمت مواد غذایی به این معنی بود که در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، ۲۵۰ درصد بیشتر از میانگین شورش های غذایی در سطح جهان شاهد بودیم. این در نهایت منجر به بهار عربی نیز شد که برخی در آن زمان از آن به عنوان "انقلاب گرسنگی" یاد می کردند.

یکی از کشورهایی که بیشتر در معرض اثرات جنگ قرار دارد، مصر است. از آنجایی که کمتر از نیمی از مواد غذایی مورد نیاز برای تغذیه جمعیت خود را تولید می کند، باید به واردات متکی باشد. این بزرگترین واردکننده گندم در جهان است که ۸۶ درصد آن از روسیه و اوکراین وارد می شود. مانند بسیاری از کشورهای، برای اینکه به مصری ها اجازه غذا خوردن بدهد، دولت به قیمت نان پارانہ پرداخت می کند. اما با افزایش قیمت ها، حفظ این یارانہ دشوارتر می شود. وزارت دارایی برای سال جاری بودجه ای معادل ۲۵۵ دلار برای هر تن در نظر گرفته بود، اما اکنون قیمت آن به ۳۵۰ دلار افزایش یافته است.

در واقع، اواخر سال گذشته، رئیس جمهور السیسی خواستار تجدید نظر در یارانه نان شد. این چیزی نیست که هیچ طبقه حاکم یا نمایندگان آن بتوانند آن را ساده بدانند. وقتی این کار در دهه ۱۹۷۰ انجام شد، شورش هایی را به راه انداخت. اگر السیسی تهدیدهای خود را دنبال کند، اصلاً بعید نیست که ناآرامی های بیشتری در پی داشته باشد. به هر حال، تورم قیمت مواد غذایی نه تنها در قیمت گندم، بلکه در طیف گسترده ای از مواد غذایی مختلف دیده می شود. و آثار این در حال حاضر احساس می شود. فایننشال تایمز اخیراً با مادر دو فرزند مصاحبه کرده است که گفته است "به سختی از عهده مدیریت برمی آید" و به افزایش قیمت روغن پخت و پز به عنوان مشکلات خاصی اشاره کرد. اوکراین همچنین بزرگترین تولید کننده روغن آفتابگردان در جهان است. آگاهی، به طور کلی، کاملاً محافظه کارانه است. مردم تا زمانی که می توانند به سنت ها، اخلاق و شیوه زندگی قدیمی پایبند هستند. با این حال، در نهایت باید به نقطه شکست برسد. رویدادهای بزرگ مردم را از طرز تفکر قبلی خود خارج می کند. آنچه می بینیم این است که قیمت مایحتاج اولیه - نه تجملات صرف، بلکه چیزهایی که برای زندگی لازم است - بسیار گران می شود. میلیون ها نفر مجبورند بپرسند: چرا این اتفاق می افتد؟ چرا اکثر ما رنج می بریم در حالی که به نظر می رسد چند نفر در بالاترین سطح در حال پیشرفت هستند؟ آیا راه بهتری برای سازماندهی زندگی ما وجود دارد؟ وقتی این پرسشگری در مقیاس توده ای رخ می دهد، پیامدهای انقلابی دارد.

مصر در این زمینه تنها نیست. تونس تقریباً ۷۰ درصد غلات خود را وارد می کند. یارانه های غذایی به دلیل فشار بر منابع مالی عمومی در معرض تهدید هستند. باگت های یارانه ای به قیمت ۱۹۰ میلی متر فروخته می شوند، اما هزینه تولید اکنون به ۴۲۰ رسیده است. لبنان به دلیل انفجاری که در اوت ۲۰۲۰ بیروت را لرزاند، تنها ظرفیت ذخیره یک ماهه ذخایر را دارد و ۸۰ درصد گندمی که وارد می کند تامین می شود. از اوکراین.

در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰، ترکیه سومین وارد کننده بزرگ گندم در جهان بود که روسیه و اوکراین دو منبع اصلی آن بودند. نرخ تورم در این کشور در ماه فوریه به بیش از ۵۴ درصد رسیده بود، قبل از اینکه تأثیر جنگ احساس شود. نمونه های بی پایان دیگری در کشورهای مختلف وجود دارد که با چشم اندازهای مشابه روبرو هستند. در کشورهایی پس از دیگری، شاهد تورم بسیار بالای کالاهای اساسی هستیم که مردم برای بقا به آن نیاز دارند. این بدان معناست که مردم مجبور به عمل هستند، نه برای بهبود استانداردهای زندگی، بلکه صرفاً برای ماندن در همان سطح قبلی.

### اقتصادهای در حال غرق شدن

حتی قبل از اینکه تأثیر جنگ احساس شود، بانک جهانی گزارش می داد که بیش از نیمی از کشورهای به اصطلاح کم درآمد قبلاً در «مشکلات بدهی یا در معرض خطر بالای آن» قرار داشتند. به عبارت دیگر، آنها قبلاً برای پرداخت بدهی های خود با مشکل مواجه بودند. بانک جهانی همچنین هشدار داد که «بدهی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط به سطوحی بدون سابقه در دوران مدرن افزایش یافته است».

این وضعیت با چشم انداز افزایش نرخ بهره در کشورهای پیشرفته سرمایه داری تشدید می شود، زیرا بانک های مرکزی تلاش می کنند تورم را کاهش دهند. بانک مرکزی ایالات متحده در حال حاضر نرخ خود را از تقریباً صفر به ۰,۲۵٪ - ۰,۵٪ افزایش داده است و مقامات فدرال رزرو در مورد افزایش آن به ۲,۷۵٪ در سال آینده صحبت می کنند. همچنین صحبت هایی وجود دارد که بانک مرکزی اروپا می تواند نرخ بهره را در سال آینده افزایش دهد. هنگامی که نرخ بهره در کشورهای پیشرفته سرمایه داری افزایش می یابد، این امر می تواند باعث خروج سرمایه از کشورهای کمتر پیشرفته سرمایه داری به کشورهای پیشرفته تر شود. این به نوبه خود منجر به کاهش ارزش پول محلی می شود که فقط هزینه واردات را بیش از پیش افزایش می دهد و همچنین بازپرداخت بدهی ها به ارزهای خارجی را دشوارتر می کند.

برای نشان دادن وضعیت پیش روی بسیاری از این کشورها، می توان به مثال تونس نگاه کرد. این کشور کسری مالی بیش از ۸ درصد تولید ناخالص داخلی دارد و مقدار پولی که فقط برای خدمت به بدهی پرداخت می کند ۹ درصد تولید ناخالص داخلی

برآورد شده است. برای اضافه کردن به این، بیش از ۶۶ درصد از بدهی تونس در پایان ژوئن ۲۰۲۱ به ارز خارجی بود. تونس تنها نیست. در اواخر سال گذشته (دوباره، قبل از اینکه تأثیر این جنگ احساس شود)، گاردین به نقل از یک مطالعه ادعا کرد که ۱۰۰ کشور باید کسری بودجه خود را در دوره آینده به دلیل میزان بدهی خود کاهش دهند. در همین حال HSBC (بانک چینی و در اکثر کشورها و شهرهای صنعتی شعبه و در رقابت با بانک مرکزی امریکا هم سود کمتری می‌گیرد و سرمایه‌گذاری اعلام کرده است. گزارش داد که آنچه را که "چهار شکننده" می‌نامد - اندونزی، برزیل، مکزیک و آفریقای جنوبی - که بدهی‌های دلاری بالایی دارند، زیر نظر دارد و آنها را به ویژه در معرض خطر قرار می‌دهد.

این بدهی باید در نهایت بازپرداخت شود. از طریق اقدامات ریاضتی، مانند کاهش یارانه سوخت یا غذا، که بسیاری از مردم به آن متکی هستند، بازپرداخت خواهد شد. این فقط مبارزه طبقاتی شدید را در کشوری پس از دیگری برانگیخت.

همانطور که لنین گفت، هیچ بحران نهایی سرمایه‌داری وجود ندارد. همیشه می‌توان بر بحران‌ها غلبه کرد، اما تنها با ایجاد یک بحران عمیق‌تر، چه در انتهای خط یا در نقطه‌ای دیگر از جهان. و سرمایه‌داری قادر خواهد بود از این بحران خارج شود: بر استخوان طبقه کارگر. بحران ناشی از همه‌گیری COVID-۱۹ با هزینه‌های هنگفت در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری غلبه کرد. با این حال، این «رامحل» بسیاری از کشورهای کمتر پیشرفته سرمایه‌داری را به حاشیه رانده است. این بدان معناست که برای طبقات حاکم بسیاری از کشورها، انتخابی بین ثبات اجتماعی یا ثبات اقتصادی وجود نخواهد داشت، زیرا هیچ‌یک از این دو گزینه در دسترس نخواهد بود.

این وضعیتی است که سریلانکا با آن مواجه است. ۷ میلیارد دلار بدهی و بهره سود دارد که قرار است امسال پرداخت شود. با این حال، همانطور که فایننشال تایمز اشاره می‌کند، تنها حدود ۵۰۰ میلیون دلار ذخایر ارز خارجی قابل استفاده دارد. در مواجهه با تورم فزاینده، کمبود سوخت و سایر واردات، هزاران نفر در کلمبو دست به اعتراض زدند.

وضعیت سریلانکا نشان می‌دهد که ما در چه دوره‌ای زندگی می‌کنیم. قبل از شیوع همه‌گیری، در کشورهایی پس از دیگری، اعتراضات، انقلاب‌ها و شورش‌های توده‌ای داشتید. این امر برای مدت کوتاهی توسط همه‌گیری قطع شد. با این حال، نه تنها هیچ یک از علل اصلی این جنبش‌ها حل نشد، بلکه به شدت تشدید شد.

سوال این نیست که آیا، اما چه زمانی شاهد تجدید موج انقلابی خواهیم بود که در سال ۲۰۱۹ شاهد بودیم، بلکه آن در سطحی حتی بالاتر خواهد بود. با این حال، همانطور که رویدادهای اخیر در قزاقستان نشان می‌دهد، تنها راه برای اطمینان از موفقیت این جنبش‌ها داشتن رهبری است که در حد انجام وظیفه باشد. اگر می‌خواهید از شر این سیستم پوسیده گرسنگی، فقر و جنگ خلاص شوید، باید خود را درگیر وظیفه فوری ایجاد رهبری کنید که بتواند طبقه کارگر را به پیروزی در مقیاس جهانی برساند.



دو اوج در قیمت گندم در ۲۵ سال گذشته به وضوح قابل توجه است - یکی از آنها قیمت فعلی و دیگری در سال ۲۰۰۸ است. در جریان افزایش قیمت قبلی، شورش‌های غذایی ۲۵۰ درصد نسبت به میانگین افزایش یافته است / تصویر: اقتصاد بازرگانی

<https://www.marxist.com/ukraine-war-inflames-global-hunger-preparing-massive-unrest.htm>